

Investigating the Material Causes of the Lack of Shiite Historical Sources¹

Mohammad Zare Bushehri*

Mansur Dadashnejad** **Nematollah Safari Forushani*****

(Received on: 2020-02-13; Accepted on: 2020-05-09)

Abstract

The lack of a part of Shiite historical sources is a concern that some thinkers have paid attention to and listed various causes for it, including material causes. Although there are spiritual causes for the lack of sources, it is not the subject of this article. Since material causes have been given a more prominent role, this paper explores them and answers the question: What is the important material cause of the lack of historical sources? The research is done through examining historical reports and referring to sources to clarify the real cause and the contribution of each cause in the lack of sources, by referring to libraries and analyzing and describing historical information. Many works were destroyed before the Mongol invasion due to other causes. Hence, attributing the loss of sources solely to the Mongol invasion as the most important material cause of the lack of sources is a well-known misinformation.

Keywords: Shiite Historical Sources, Missed, Shiite History, Material Causes.

1. This article is taken from: Mohammad Zare Bushehri, "Causes and Consequences of the Loss of Shiite Historical Sources by the Seventh Century", 2019, PhD Thesis, Supervisor: Mansur Dadashnejad, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student in Shiite History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), mzboushehri@yahoo.com.

** Associate Professor, Department of History, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran, Mdadashnejad@noomet.net.

*** Full Professor, Department of History, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, a-n-safari@miu.ir.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۲۴-۵

بررسی علل مادی فقدان منابع تاریخی شیعه^۱

محمد زارع بوشهری*

منصور داداش‌نژاد** نعمت‌الله صفری فروشانی***

[تاریخ دریافت: ۱۳/۰۷/۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۸/۰۵/۱۳۹۹]

چکیده

فقدان بخشی از منابع تاریخی شیعه دغدغه‌ای است که برخی از متفکران به آن توجه کرده و علل مختلفی برای آن برشمرده‌اند. از جمله علل مادی را در زمره علت‌های نابودی این آثار می‌دانند. گرچه علل معنوی نیز برای فقدان منابع مطرح است اما موضوع این مقاله نیست. از آنجا که به علل مادی نقش پررنگ‌تری داده شده، این نوشتار علل مادی فقدان منابع تاریخی را می‌کاود و به این پرسش پاسخ می‌دهد که: علت مهم مادی فقدان منابع تاریخی چیست؟ بررسی گزارش‌های تاریخی و رجوع به منابع برای روشن شدن علت واقعی و سهم هر کدام از علل در فقدان منابع، با رجوع به کتاب‌خانه‌ها و تحلیل و توصیف داده‌های تاریخی روش این مقاله است. بسیاری از آثار، پیش از حمله مغول، بر اثر علل دیگری از بین رفته، و نسبت‌دادن مفقودشدن منابع صرفاً به حمله مغول، به عنوان مهم‌ترین علت مادی مفقودشدن، مطلب نادرستی است که اشتباه یافته است.

کلیدواژه‌ها: منابع تاریخی شیعه، مفقود، تاریخ شیعه، علل مادی.

۱. برگرفته از: محمد زارع بوشهری، علل و پیامدهای مفقودشدن منابع تاریخی شیعیان تا قرن هفتم، رساله دکتری، استاد راهنما: منصور داداش‌نژاد، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۸.
* دانشجوی دکتری تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)
mzboushehri@yahoo.com

** دانشیار گروه تاریخ، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ایران Mdashnejad@noomet.net

*** استاد تمام گروه تاریخ، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران a-n-safari@miu.ir

پیشینه

داده‌های تاریخی به میزانی که دارای مستندات قوی باشند از صحت و استحکام لازم برخوردارند. مشهورات تاریخی و نوگزاره‌هایی در کتب متأخر تاریخی آمده است که از منابع غیر موجود نقل شده و چه بسا اگر آن منابع در اختیار بود مشکلات ناشی از این نوگزاره‌ها دامن‌گیر پژوهش‌های تاریخی نبود. چرایی از بین رفتن منابع و مفقود شدن آن دغدغه‌ای است که به آن پرداخته‌ایم. پیش از این، برخی از محققان به صورت کلی منابع تاریخی شیعیان، اعم از منابع موجود و منابع مفقود، را برشمرده‌اند؛ منصوره بخشی تاریخ‌نگاران امامیه را تا قرن هفتم بررسی کرده، ولی به چرایی مفقود بودن برخی منابع و پیامدهای آن اشاره نکرده است (بخشی، ۱۳۹۳)؛ محمدرضا هدایت‌پناه، منابع تاریخی شیعه را تا قرن پنجم بررسی کرده که موضع پژوهش میزان اعتبار و اصالت علمی منابع تا قرن پنجم بوده است (هدایت‌پناه، ۱۳۹۶)؛ علی امامی‌فر در کتاب تاریخ‌نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم هجری به این موضوع پرداخته و آنها را معرفی کرده است (امامی‌فر، ۱۳۸۳). ماهر جرار در مقاله «سیره اهل کسا» (جرار، ۱۳۸۵: ۱۹۷) اشاره مختصری به علت مفقود شدن داشته ولی به تفصیل، علت فقدان منابع را بررسی نکرده است. همچنین، منصور داداش‌نژاد در مقاله «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین» (داداش‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۵) و مقاله «بررسی کتاب مفقود معالم العترۃ النبویة جنابذی» (همو، ۱۳۸۹: ۱۴۰) برخی آثار مفقود را بررسی کرده ولی علل و پیامدها را ذکر نکرده است. نیز، علی بیات و زینب فضل‌ی در مقاله مشترکی به عوامل و پیامدهای فقدان اسناد دیوانی از سده‌های نخستین اسلامی (فضل‌ی و بیات، ۱۳۹۱: ۶۲) پرداخته‌اند که برخی علل اشاره شده، در این پژوهش مد نظر خواهد بود. مقاله حاضر درباره علل مادی منابع مفقود سامان یافته و گامی تازه در این زمینه است که فاقد پیشینه مشابه است. روشن است که از بین رفتن منابع، به شیعه اختصاص نداشته و برخی از آثار تاریخی و غیرتاریخی اهل سنت نیز از بین رفته، که البته در قیاس با کتب شیعی کمتر است (کلبرگ، ۱۳۷۱: ۱۳۷) و موضوع این نوشتار نیست. این مقاله صرفاً به منابع تاریخی مفقود شیعه پرداخته و با محوریت علل مادی فقدان منابع تاریخی شیعی به نقد آن دست یازیده است، که در شش محور با استناد به منابع مختلف، علل مادی مفقودی منابع را تشریح خواهیم کرد و در پایان خواهیم گفت که نمی‌توان صرفاً حمله مغول و علل مادی را عامل اصلی مفقود شدن منابع دانست و باید چرایی فقدان منابع تاریخی شیعه را در سایر علل جست.

مروری بر علل مادی فقدان منابع تاریخی شیعه

شیعیان در گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری آثاری داشته‌اند که در کتب فهرس به آن پرداخته شده و در مقاله‌ای صرفاً با بررسی رجال نجاشی (متوفای ۴۵۰ ه.ق.) روشن شده است که دانشمندان شیعه ۱۳۵۵ اثر در موضوعاتی همچون حروب فتن ایام‌العرب، رجال، شرح‌حال‌نگاری، تک‌نگاری، تاریخ عمومی، تاریخ محلی و تاریخ انبیا داشته‌اند (مجیدی‌نسب، ۱۳۸۷: ۱۳۵). همچنین، در فهرست ابن ندیم (متوفای ۳۸۰ ه.ق.) و شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.)، شخصیت‌های شیعی مانند جلودی (متوفای ۳۳۲ ه.ق.)، صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.)، شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه.ق.) دارای کتب تاریخی بوده‌اند که در دسترس نیست. حجم آثار مذکور در فهرست ابن ندیم، رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی کم نیست که پیش از وقوع سلسله حوادثی از جمله حملات و فشارهای نظامی این آثار موجود بوده، ولی در قرون بعدی خبری از این منابع نیست. برخی مؤلفان در آثار خود به کتبی استناد داده‌اند که روشن است در اختیار نویسنده بوده است، ولی در سده‌های بعدی این آثار وجود ندارند. مثلاً سید بن طاووس، که از دانشمندان قرن هفتم است، در تألیفات خویش به آثاری استناد کرده که روشن است در اختیار داشته، و پس از وی معلوم نیست چه سرنوشتی پیدا کرده است (کلبرگ، ۱۳۷۱: ۱۶۱). برخی مدعی‌اند از باقی‌ماندن بیش از یک‌سوم منابعی که سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه.ق.) در تألیفاتش از آنها نقل کرده است، آگاهی نداریم (همان: ۱۴۹)؛ و نیز مجلسی در بحار الانوار به برخی آثار اشاره کرده که در دسترس وی بوده ولی بعداً اثری از آنها نیست. آیا سهم حمله مغول در از بین رفتن آثار تاریخی پررنگ است؟ یا صرفاً یکی از دلایل است و آثار متعددی پیش از حمله مغول از بین رفته است؟ در این نوشتار می‌کوشیم با بررسی علل مادی فقدان منابع تاریخی شیعه، پاسخی درخور به این پرسش دهیم. فقدان منابع تاریخی شیعه علل و عوامل مختلفی دارد که می‌توان در تقسیمی کلی به علل مادی و معنوی اشاره کرد. البته برخی به صورت کلی دلایل از بین رفتن منابع تاریخی را سیاسی و فرقه‌ای دانسته‌اند (صدر سیدجوادی، ۱۳۶۶: ذیل «تاریخ‌نگاری شیعیان») که تنها علت نیست و یکی از علل مادی فقدان منابع است. در ادامه، علل مختلف مادی فقدان منابع تاریخی ذیل سه عنوان علل «اجتماعی»، «سیاسی» و «نظامی» بررسی می‌شود. از آنجا که در میان علل مادی بیشترین سهم را به حمله مغول داده‌اند این دیدگاه نیز بررسی خواهد شد تا میزان تأثیر هر کدام از علل در خصوص از بین رفتن منابع روشن شود. علل معنوی نیز نقش خود را داشته‌اند که در مقاله دیگری به آن خواهیم پرداخت.^۱

۱. علل اجتماعی

اوضاع و احوال اجتماعی حاکم بر قرون ابتدایی علت مهمی است که موجب شده است برخی منابع اولیه از بین برود. برخی از این علل اجتماعی عبارت‌اند از:

۱.۱. فقدان کتاب‌خانه‌های متمرکز در قرون اولیه

آشکار است که در جهان اسلام از ابتدا کتاب‌خانه متمرکز وجود نداشته است. بر اساس برخی گزارش‌ها، مساجد اولین مکانی بوده که علاوه بر کارکرد عبادتگاه‌بودن، محلی برای آموزش و تشکیل حلقه‌های درسی بوده و این سنت از زمان پیامبر وجود داشته است (بخاری، ۱۴۱۹: ۲۸/۱). در بیشتر مساجد کتبی بود که بعدها به صورت وقف کتب به مساجد سپرده می‌شد (سباعی، ۱۳۷۳: ۱۸۰-۱۸۳). اما حرکت جدی برای تأسیس کتاب‌خانه را باید به عصر مأمون نسبت داد که در بیت‌الحکمه ایجاد کرد و آثار متعددی در زمینه‌های مختلف در آن نگه‌داری می‌شد (ابن‌طقطقی، ۱۴۱۸: ۲۱۴). این حرکت مربوط به دهه‌های آخر قرن دوم و آغاز قرن سوم است. از همین گزارش روشن است که پیش از آن چنین چیزی سابقه نداشته است. پراکندگی نگه‌داری آثار در منازل و مساجد را می‌توان دلیلی بر فقدان اهتمام جدی به حفظ کتب دانست، به‌ویژه اینکه امکانات لازم برای حفظ کتب وجود نداشته است. بنابراین، فقدان کتاب‌خانه متمرکز حداقل تا یک قرن و نیم می‌تواند دلیلی بر از بین رفتن برخی منابع باشد، البته این دلیل صرفاً برای آثار تاریخی یا آثار شیعی نیست و سایر آثار را هم در بر می‌گیرد. دانشمندان مورخ بر این نکته نیز واقف‌اند که روایات تاریخی در قرن اول بیشتر شفاهی منتقل شد. تدوین آثار اسلامی و کتب تاریخی اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم ادامه داشت (غفوری، ۱۳۹۴: ۷۴). برخی نیز آغاز ادبیات نوشتاری شیعه را در اواخر دوران اموی دانسته‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۰). هر دو مدعا، اظهارنظر درباره دو قرن نخست را دشوار می‌کند. بر فرض صحت هر کدام از این دو مدعا، علت مهم در دسترس نبودن برخی منابع تاریخی، دست‌کم در این مدت، حاکمیت فرهنگ شفاهی بر کتابت است. روشن است که انتقال شفاهی روایات در این مدت دلیلی بر فقدان کتابت به طور مطلق نیست و چه‌بسا به صورت محدود کتابتی رخ داده باشد که اسناد و گزارش‌های موجود آن را تأیید می‌کند. بنابراین، مطالب پیش‌گفته شاید در این خصوص صادق نباشد. البته این مدعا با نسبت تألیف نخستین کتاب‌های تاریخی و فقهی شیعه به همت اصحاب نزدیک به امامان شیعه و به طور خاص به سده اول و روزگار نزدیک به امام علی (علیه‌السلام) ناسازگار است (ابن‌ندیم، ۱۳۴۶: ۲۷۵؛ طوسی، بی‌تا: ۳۸ و ۱۰۷).

نجاشی، بی تا: ۶). اگر ادعای آغاز تاریخ‌نویسی و به طور کلی تألیف در اسلام به دست شیعیان (صدر سیدجوادی، ۱۳۶۶: ۱۸۲) پذیرفته شود فقدان مرکز نگه‌داری متمرکز و به صورت تخصصی و امروزی در سده نخست به‌ویژه می‌تواند علت جدی برای از بین رفتن کتب باشد.

۱. ۲. بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه

واضح است که برخی نسخ و تألیفات پیشین بر اثر بلایا و حوادث طبیعی از بین رفته است. نگه‌داری در مکان‌های نامناسب و وضعیت آب و هوایی یکی از نکاتی است که باید به آن توجه کرد. کاغذهایی که استفاده می‌شد در آب و هوای مرطوب خاورمیانه دوام لازم را نداشت. مقایسه این وضعیت با نسخ باقی‌مانده در اروپا، که از کاغذهای مرغوب‌تری از جمله کاغذ روغنی و پوست حیوانات بود، مؤید این ادعا است (رابینسون، ۱۳۹۲: ۷۸). بغداد بارها در معرض سیل قرار گرفت، از جمله در قرن هفتم که ساختمان‌های متعددی ویران شد (ابن‌فوطی، ۱۳۵۱: ۲۱۴-۲۱۵). وضعیت آب و هوایی در باقی‌ماندن آثار مؤثر بوده است. در مصر اسنادی از قرون نخستین اسلامی به دست آمده که پاپیروسی است و در واقع به سبب گرم و خشک بودن این سرزمین و فقدان رطوبت باقی مانده است. بنابراین، در مناطقی که هوا مرطوب بوده از بین رفتن کتب بعید به نظر نمی‌رسد. به اینها باید پوسیدگی، از بین رفتن در اثر موریانه و ... را نیز افزود.

۱. ۳. از بین بردن عمدی کتب

برخی آثار عمداً از بین رفته و گزارش‌هایی در منابع در این خصوص ذکر شده است، چنانچه آثار و نوشته‌های بیهقی (متوفای ۴۷۰ ه.ق.) را، بنا بر گزارش خودش، با قصدی بی‌ارزش از بین بردند که اگر چنین نمی‌شد تاریخ رنگ متفاوتی به خود می‌گرفت. وی در شکوه از این اقدام، عاملان را به خدا واگذار می‌کند (بیهقی، ۱۳۲۴: ۳۸۱). علت دیگری که برای از بین رفتن عمدی کتب می‌توان بیان کرد بیم و هراسی است که پیروان مکتب اهل بیت و علمای شیعه در طول تاریخ از حکام و سردمداران وقت داشته‌اند. ارباب و وحشتی که از ایشان به پیروان مکتب اهل بیت و علمای شیعه می‌رسید تا جایی بود که آنها را به قتل می‌رساندند؛ و کتاب‌خانه‌هایشان را که دارای هزاران جلد کتاب بود آتش می‌زدند، چنان‌که درباره کتاب‌خانه معظم «بین‌السورین» بغداد این عمل نفرت‌انگیز را اجرا کردند (یاقوت حموی، ۱۴۱۱: ۵۳۳/۱)، هرچند گروهی از محققان معاصر شیعه معتقدند شیعیان در زمینه تاریخ‌کم‌کاری کرده و آنچه‌ان که شایسته است به دانش تاریخ نپرداختند

و بخش عظیمی از تاریخ شیعه و حقایق تاریخی را از دست دادند. از این رو چاره‌ای ندارند جز اینکه برای بازسازی تاریخ شیعه از منابع غیرشیعه کمک بگیرند و در تبیین تاریخ و حتی عقاید خود به این دسته کتب استناد دهند (غفوری، ۱۳۹۴: ۷۲) البته نقل شده است که برخی کتب را وراثت عالمان شیعی عمداً از بین برده‌اند، از جمله بعد از وفات ابن غضائری (متوفای ۴۵۰ ه.ق.) وراثت وی عمداً همه آثار، به جز دو نسخه از آثارش، را از بین بردند (طوسی، بی‌تا: ۲) که دلیل آن روشن نیست.

۲. علل سیاسی

عوامل سیاسی مختلف علت دیگری است که موجب از بین رفتن برخی منابع مکتوب تاریخی است. هرچند برخی به صورت کلی دلایل از بین رفتن منابع را سیاسی و فرقه‌ای دانسته‌اند (صدر سیدجوادی، ۱۳۶۶: ۱۸۲) که صحیح به نظر نمی‌رسد. به علل سیاسی مفقودی منابع، ذیل سه عنوان اشاره می‌شود.

۲.۱. فشار سیاسی حاکمان

پس از درگذشت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و دوران خلافت، امویان و عباسیان شیوه مقابله با راه و روش پیامبر را در پیش گرفتند و به مقابله با آنها مشغول شدند، چراکه آن را وظیفه خود می‌دانستند؛ بی‌ربطی به ثبت تاریخ حاکمانی که با شیوه آنها زاویه داشتند و نیز فشار سیاسی آنها موجب فاصله گرفتن شیعیان از نوشتن تاریخ بود. یا باید تاریخ را به گونه‌ای می‌نوشتند که خوشایند حاکمیت باشد و از وقایع پس از رحلت پیامبر صرف نظر می‌کردند، یا از نوشتن در این زمینه فاصله می‌گرفتند. سختی نگارش تاریخ موجب شد شیعیان در بازه زمانی حکومت امویان (۴۱-۱۳۲ ه.ق.) و نیمه اول قرن نخست حاکمیت عباسیان (۱۳۲-۲۳۲ ه.ق.) به دلیل پیش گفته، از پرداختن به برخی موضوعات تاریخی با بینش شیعی خودداری کنند. در این دوره به تاریخ پیامبر و اهل بیت کمتر پرداخته شده و گونه‌های دیگر تاریخ‌نگاری از جمله تک‌نگاری‌ها با موضوعاتی خارج از شیعه و تشیع پررنگ‌تر است (بخشی، ۱۳۹۳: ۱۸۲-۱۸۳). فشار سیاسی در این دوره به حدی بود که زندیق و کافر دانستن فرد آسان‌تر از شیعه‌نامیدنش بود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۵: ۶۳/۱۱-۴۶). با رافضی خواندن شیعیان و خارج از دین نامیدن آنها فشار مضاعفی بر آنها وارد کردند. در مقدمه کتاب الصواعق المحرقة آمده است: روایتی نقل شده است که پیامبر ﷺ به شخصی فرمودند: «بعد از من قومی می‌آیند که رافضی نامیده می‌شوند که مشرک‌اند. اگر آنها را دیدی بکش!»

(ابن حجر هیتمی، ۱۴۱۷: ۱۳/۱). برخی نیز شیعه (رافضی‌ها) را مسلمان ندانسته و آنها را صرفاً فرقه‌ای می‌دانند که ۲۵ سال پس از پیامبر ﷺ، به دعوت فردی که اسلام را قبول نداشت، پدید آمد و پیروان این فرقه در کفر و دروغ‌گویی دنباله‌رو یهود و مسیحیان‌اند (ابن حزم، ۱۴۱۶: ۲۹۰/۱). در این اوضاع شیعیان فاقد جایگاه در جامعه بودند و به راحتی سخنی از آنان پذیرفته نمی‌شد و بیان حقایق مشکل بود؛ برای پرهیز از مواجهه و درگیری با حاکمان ناچار بودند از برخی مسائل صرف نظر کنند. تلاش معاویه و همراهانش محو نام پیامبر از صحنه روزگار و از بین بردن اسلام بود. چنین هدفی با نگارش تاریخ صحیح سازگار نبود. گزارش تاریخی نقل شده از پسر مغیره درباره ملاقات پدرش با معاویه شاهد مهمی برای این ادعا است. وی در نقل گفت‌وگویی پدرش، به معاویه و اینکه او گفته است باید نام پیامبر را دفن کنیم اشاره کرده است. تفصیل این گزارش را ابن‌ابی‌الحدید نقل کرده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۵: ۱۲۹/۵-۱۳۰). علاوه بر آن، معاویه پس از استقرار در قدرت، به والیان خویش بخش‌نامه کرد که: «هر کس فضیلتی از علی (علیه‌السلام) نقل کرد او را بکشید؛ خوش‌هدر و ذمه خویش را از آن بری دانستم» (امین، ۱۴۰۳: ۲۷/۱). خالد بن عبدالله قسری از ابن‌شهاب زهری درخواست تدوین سیره کرد. ابن‌شهاب گفت: «احیاناً در لابه‌لای سیره، از علی بن ابی‌طالب سخن به میان می‌آید؛ آیا با این حال، می‌توانم به این کار دست یازم؟ خالد گفت: اگر ذکر نام ایشان با آمیزه‌ای از خردگیری باشد، مانعی ندارد» (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۱۵). برخی شعرای شیعه، که در مناقب علی (علیه‌السلام) یا معجزات پیامبر ﷺ سخن می‌گفتند، زبانشان را قطع، و دیوان شعرشان را پاره می‌کردند (خوارزمی، ۱۹۷۰: ۱۶۶).

نکته مهم دیگر اینکه گردش قدرت و تحولات سیاسی با توجه به اینکه گرایش‌ها و خاستگاه سیاسی مذهبی حاکمان متفاوت بود و گاه با حاکمیت پیشین در تعارض بود، موجب می‌شد آثار حکام پیشین در معرض بی‌مهری واقع شود و از بین برود. مثلاً سلیمان بن عبدالملک (حک. ۹۶-۹۹ ق.ه.) هنگامی که ولی‌عهد بود، در سال ۸۲ ه.ق. به مدینه مسافرت کرد و پس از مشاهداتش دستور داد رویدادهای عصر پیامبر نوشته شود. ابان بن عثمان او را از در اختیار داشتن سیره پیامبر آگاه کرد، اما پس از مطالعه به رغم دستور استنساخ، چون فضایی از انصار در آن نوشته شده بود و خلاف دیدگاه آل مروان بود، دستور داد آن را بسوزانند؛ پدرش نیز عمل وی را تأیید کرد (زبیر بن بکار، ۱۳۷۴: ۳۳۱-۳۳۴). در معرض بی‌مهری قرارگرفتن مذهب شیعه در برخی نواحی دلیلی مهم برای نادیده‌گرفتن تألیفات دانشمندان شیعی است. در شامات تشیع در معرض بی‌مهری و تنگنای سلاطین نوری، ایوبی و مملوکی قرار گرفت و آثار فراوان مورخ پرتألیف شیعی، یحیی بن حمید بن

ظافر طایبی حلبی (۵۷۵-۶۳۰ ه.ق.) از بین رفت. وی علاوه بر تاریخ در سایر رشته‌های علوم نیز تألیفاتی داشت که نقل‌هایی از وی در آثار مورخان بعدی شامات آمده است (ابن‌ابی‌طی، ۱۳۷۹: ۱۷). یکی از محققان معتقد است بسیاری از حوادث تاریخ شیعه و ائمه عمداً کتمان شده است تا حاکمان متوجه نشوند (دستی، در: دشتی و صفری فروشانی، ۱۳۹۵).

فشار حاکمان به حدی بود که حتی محل دفن علمای شیعی مخفی نگه داشته می‌شد، در کتاب احوال و آثار محقق حلی آمده است که درباره محل دفن محقق اختلاف است و ظاهراً حله نیست و در نجف است. هرچند در حله دارای مرقد است. ولی مدعی است که بر اساس رسمی که وجود داشته و مخفیانه اجساد را منتقل می‌کردند، ابتدا محقق را در حله دفن کردند و سپس جنازه‌اش به نجف منتقل شد (امین، ۱۴۰۳: ۸۹/۴). برخی نیز معتقدند هر گاه فشار حاکمان بر شیعیان شدت می‌گرفت از مباحث تاریخی دست می‌کشیدند و در رشته‌های دیگر گام می‌نهادند. این شیوه را دلیلی بر رشد و گسترش فقه شیعه دانسته‌اند (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

علاوه بر این فشارها، پیدایش گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی و کلامی و نیز گسترش اسلام و مواجهه مسلمانان با تفکرات مختلف، پرسش‌ها و شبهات متعددی ایجاد می‌کرد. ائمه (علیهم‌السلام) و اصحابشان و بعداً دانشمندان شیعه، وظیفه خود می‌دانستند که به پرسش‌ها و شبهات پاسخ دهند و بر اساس اصول و معیارهای صحیح، حقایق دینی و اسلامی را نشر دهند و در حفظ آن بکوشند. توجه به این وظیفه و صرف وقت در این زمینه، منجر به آن شد که «تاریخ»، در مقایسه با فقه و سایر دانش‌ها از اهمیت کمتری برخوردار شود یا کمتر به آن پردازند. آثار موجود شیعه در فقه و سایر علوم بیانگر این واقعیت است.

۲.۲. دولتی و سیاسی بودن کتاب‌خانه‌ها

با وجود برخی کتاب‌خانه‌های شخصی، روشن است که کتاب‌خانه‌های بزرگ و مهم در سده‌های محل بحث به دست حاکمان تأسیس شده یا متعلق به دولت مردان بوده است و پیش‌قدم آنها خلفای عباسی بوده‌اند (حائری‌تهرانی، ۱۳۳۸: ۱۹۷-۲۰۸). اگرچه دوره امویان عمر بن عبدالعزیز (متوفای ۱۰۱ ه.ق.) کتاب‌خانه داشت ولی عمومی نبود و فقط فرزندان، پزشکان و فیلسوفان که در خدمت دولت بودند از آن استفاده می‌کردند. بنابراین، نگاه حاکم بر حفظ و نگهداری آثار و جمع‌آوری و استنساخ کتب را نمی‌توان از نظر دور داشت؛ نگاه سیاسی که در راستای اهداف جریان حاکم و تعصب دولت‌مردان بود. خاندان برمکی که وزرای عباسیان بودند، طبیعی است که

با توجه به فضای حاکم بر دربار عباسی به منابع شیعی توجه نداشته باشند. این نکته باید مطرح نظر باشد که رشد تاریخ‌نگاری خواه با حمایت دستگاه خلافت شروع شده باشد یا نه روندی عمیقاً سیاسی بوده است، چراکه ثبت تاریخ شفاهی در قالب نوشتار، بخشی از بازسازمان‌دهی و توجه خاص به قدرت اجتماعی بود. سازمان‌های متولی علم نیز هرگز بی‌طرف یا فاقد گرایش خاص نیستند (رابینسون، ۱۳۹۲: ۹۴). فشار به گونه‌ای بود که مورخ شیعه تأثیر ناچیز در سنت متأخر داشت. مسعودی (متوفای ۲۸۷ ه.ق.) با اینکه سنت‌شکنی‌هایی داشت به دلیل گرایش‌های شیعی و نگاه وی به خلافت کتاب تاریخش محل استناد مؤلفان بعدی قرار نگرفت، برخلاف کتاب جغرافیای وی که باورهایش را در بر نداشت و محل استناد واقع شد (همان: ۸۵-۸۶).

۲.۳. ناپایداری دولت‌های شیعی

بی‌ثباتی سیاسی و ناپایداری دولت‌های شیعی که اغلب در قرن چهارم بودند و نیز دولت‌های غیرفراگیر و محلی شیعی که مدت کوتاهی قدرت داشتند یکی دیگر از فرضیه‌هایی است که موجب از بین رفتن منابع تاریخی آنها شده است، به گونه‌ای که این ناپایداری موجب از بین رفتن کتاب‌خانه‌ها و سایر آثار می‌شد. شاهد این مدعا، خزانه کتب فاطمیان در قاهره است که ظاهراً بزرگ‌ترین کتاب‌خانه زمان خود به شمار می‌رفت (مقریزی، ۱۹۹۶: ۲/۲۹۲) و پس از سقوط این دولت و روی کار آمدن صلاح‌الدین ایوبی (متوفای ۵۶۷ ه.ق.) تاراج و نابود شد (ابوشامه، ۱۴۲۲: ۲/۱۳۷؛ ابن‌واصل، ۱۹۹۷: ۱/۲۰۳؛ مقریزی، ۱۴۱۸: ۳/۳۳۱). با توجه به این نکته که ایوبیان نمی‌خواستند خاطره‌ای از فاطمیان باقی بماند، در مقطعی از حکومت آل‌بویه (۳۲۰-۴۴۷ ه.ق.) تاریخ‌نگاری شیعیان سیر نزولی داشت. شاید دلیل آن ضعف این دولت در سال‌های پایانی و سپس سقوط آن بوده و شیعیان برای بقای خود و دستاوردهایشان، زمانی که قدرت اهل سنت احیا شده، به تقیه پناه برده‌اند (بخشی، ۱۳۹۳: ۴۲۷). البته این وضعیت و سیر نزولی در قرون پنجم، ششم و هفتم هم ادامه داشت.

۳. درگیری‌های نظامی

از دیگر عوامل از بین رفتن کتب، جنگ‌ها و درگیری‌هایی است که دامن‌گیر جهان اسلام شد. بررسی این عامل به عنوان دلیلی که بسیاری بر آن پای فشرده و سهم اصلی را به آن داده‌اند محل توجه این نوشتار است. در ادامه، این عامل را تحت دو عنوان بررسی خواهیم کرد.

۳.۱. جنگ‌ها و شورش‌های داخلی

در سده‌های نخستین برای دست‌یابی به قدرت و حکومت با دلایل مذهبی و تعصبات گوناگون جنگ‌ها و منازعات مختلفی در قلمرو وسیع جهان اسلام صورت گرفت. روشن است که این نبردها بدون خسارت و آسیب و هدررفت منابع نبوده است. از جمله آثار مکتوب و کتاب‌خانه‌ها بر اثر این منازعات از بین می‌رفتند. بر همین اساس جنگ‌ها و شورش‌های داخلی جهان اسلام از دیگر عوامل فیزیکی از بین رفتن منابع تاریخی است (فانم‌مقامی، ۱۳۴۵: ۲۷۱). در واقعه دیرالجمام (۸۳ ه.ق.) که جنگ بین عبدالرحمن اشعث و حجاج بن یوسف ثقفی واقع شد، آثاری در آتش سوخت (بلادری، ۱۹۸۸: ۲۶۸؛ نیآوردی، ۱۴۰۹: ۲۸۸). در قاهره قرن چهارم حادثه عجیبی رخ داد. سپاهیان و دیوانیان، که حقوق خود را از حاکمان مصر و فاطمیان از ۳۵۸ ه.ق. به بعد دریافت نکرده بودند کتاب‌خانه‌های شهر را به صورت سازمان‌یافته غارت کردند. در سال ۴۶۰ ه.ق.، ۱۸۰۰۰ هزار جلد کتاب علمی و ۲۴۰۰ جلد قرآن تذهیب‌شده از قصر خلیفه فاطمی بیرون برده شد و در ماه محرم در عرض یک روز ۲۵ شتر بار کتاب از قصر به جای ۵۰۰۰۰ دینار طلب روانه خانه ابوالفرج محمد بن جعفر (متوفای ۴۷۸ ه.ق.)، وزیر المستنصر، خلیفه فاطمی، شد (مقریزی، ۱۴۱۸: ۴۰۸/۱-۴۰۹). خلفای فاطمی در طرابلس شام نیز کتاب‌خانه تأسیس کردند که در سال ۵۰۲ ه.ق. فرنگیان، طرابلس را فتح کردند و بر اساس برخی گزارش‌های تاریخی سه میلیون کتاب را سوزاندند (زیدان، ۱۳۷۲: ۳۱۱/۳). این میزان از بین رفتن کتب تأسف‌انگیز است، هرچند شامل کتب مختلف است و صرفاً منابع تاریخی دچار این مشکل نشده، ولی از عللی است که نقش آن را نمی‌توان نادیده گرفت.

۳.۲. تجاوز ویرانگر بیگانگان

سرزمین اسلامی، علاوه بر شورش‌ها و مشکلات داخلی، دست‌خوش حملات بیگانگان نیز بوده که تبعات منفی در حوزه‌های مختلف داشته است. در منابع، به تبعات برخی از این حملات اشاره شده است. بر اثر این حملات کتاب‌ها و کتاب‌خانه‌هایی از بین رفته‌اند که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم.

۳.۲.۱. حمله محمود غزنوی (۳۶۱-۴۲۱ ه.ق.)

هجوم غزها به خراسان (نیشابور و غزنه) (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۸۰؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۱: ۳۳۲/۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۶۸) از حملاتی است که جهان اسلام درگیر آن شد و خسارات مادی و معنوی فراوان در پی داشت. در این مناطق آثاری از بین رفت. نیز در ری کتاب‌خانه مهمی بود که به دستور سلطان

محمود کتاب‌های کلام، فلسفه و نجوم آن را آتش زدند و سایر کتب را که صد بار شتر می‌شد به غزنین فرستادند (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۳۷۲/۹). بعید نیست آثار مفقود تاریخی شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) که به آنها اشاره خواهیم کرد، بر اثر همین حمله از بین رفته باشد.

۳. ۲. ۲. حمله طغرل‌بیک سلجوقی (۳۸۵-۴۸۵ ه.ق.)

سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ ه.ق.) نیز در حملات خود خسارت جدی مادی و معنوی به جهان اسلام وارد کردند، از جمله دارالعلمی که شاپور ابن اردشیر (متوفای ۴۱۶ ه.ق.)، وزیر بهاء‌الدوله بویه‌یی، در کرخ بغداد در سال ۳۸۱ ه.ق. تأسیس کرد و دارای بیش از ده هزار، و به گفته دیگران صد تا صد و چهل هزار، جلد کتاب است و از جمله مشتمل بر یکصد نسخه نفیس قرآن به خط بنومقله معروف بوده است. هنگام حمله طغرل‌بیک به بغداد در سال ۴۵۱ ه.ق. این دارالعلم هم در آتش سوخت (باقوت حموی، ۱۴۱۱: ۳۵۴/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۷/۱۰-۸).

۳. ۲. ۳. حمله مغول (۶۱۶-۶۵۶ ه.ق.)

آشفتگی سیاسی به طور عام و فاجعه خرابی بغداد به طور خاص، در دوره حمله مغول به سرزمین‌های اسلامی از دیگر عوامل مادی از بین رفتن برخی منابع است (رابینسون، ۱۳۹۲: ۷۸) که در این خصوص می‌توان به از دست رفتن کتاب‌خانه‌های مهم دانشمندان شیعی اشاره کرد که بسیاری نسخ، به‌ویژه نسخ خطی، در آنها نگه‌داری می‌شد. حمله مغول به جهان اسلام در سال ۶۱۶ ه.ق. آغاز شد و پس از ۴۰ سال در سال ۶۵۶ ه.ق. با فتح بغداد و قتل خلیفه عباسی المستعصم (متوفای ۶۰۹ ه.ق.) بر جهان اسلام استیلا یافتند. ممالیک مصر نیز پس از آن گرفتار مغولان شدند. بر اثر حمله مغولان به ایران علم و دانش افول کرد و اثری از فرهنگ و ادب باقی نماند. توصیف قزوینی (متوفای ۱۳۲۸ ه.ش.) از سیمای کلی فرهنگ و ادب در آن مقطع تاریخی این است که مراکز علم و ادب در درگیری‌ها و حملات ویران شد. آثار، کتب و کتاب‌خانه‌ها از بین رفت و دانشمندان کشته شدند. کمترین نتیجه اقدامات مغولان و آثار استیلای آنها بر ایران، تنزل و انحطاط ادبیات مملکت به پایین‌ترین حد ممکن است. اگر کسی اندکی به فضای علمی کشور در آن دوران آگاه باشد تفاوت تألیفات پیش و پس از مغول را درمی‌یابد (جویی، ۱۳۸۲: ۵/۱). آثار علمی بسیاری در تهاجم مغولان نیست و نابود شد و این ادعا با توجه به عظمت و سرعت ویرانگری‌های مغولان و با در نظر گرفتن مسئله یک یا چند نسخه‌ای بودن کتاب‌ها در آن روزگار کاملاً موجه است.

به‌علاوه، مقدار علم و دانش باقی‌مانده نیز، بیشتر در جاهایی بود که پای لشکریان مغول به آنجا نرسیده بود، یا بسیار کم‌قدرت‌تر و کم‌اثرتر رسیده بود. اگر لشکریان مغول به این مناطق هم دست یافته بودند همین مقدار آثار باقی‌مانده نیز از بین رفته بود و دستاوردهای فرهنگی فرزندان صاحب ذوق این مرز و بوم طعمه زوال شده بود (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۹: ۱۰۸). در تسخیر مناطق مختلف به دست تیمور لنگ و لشکریانش به مدت هشت سال، که ویرانی‌های فراوان بر جا گذاشت، در سال ۱۰۵۹ م، حدود ۱۰۴۰۰ جلد کتاب خطی یکی از کتاب‌خانه‌های معتزله و شیعه، در شهر شاپور فارس را به آتش کشیدند. در سال ۱۲۵۴ م، پس از تسخیر بغداد، مغولان ۲۴ هزار تن از دانشمندان را کشتند، کتاب‌های خطی موجود در کتاب‌خانه‌ها را خارج کردند و به دجله ریختند، به اندازه‌ای که در رودخانه دجله سدی ایجاد شد؛ و از ترس طغیان آب، بقیه کتاب‌ها را آتش زدند (ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۲۴/۳؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۶۶۳/۳). در کشتار عمومی مغولان، در یک هفته هزاران دانشور، عالم و شاعر کشته شدند، کتاب‌خانه‌ها و گنجینه‌هایی که در طول قرن‌ها فراهم آمده بود ویران یا غارت شد، و صدها هزار جلد کتاب سوخت (دورانت، ۱۳۷۸: ۴۲۳/۴-۴۳۱). کتاب‌خانه ابن‌علقمی (۵۹۱-۶۵۶ ه.ق.) همراه ده‌ها کتاب‌خانه دیگر در ماجرای حمله مغول از بین رفت، قسمتی سوزانده شد و بخشی به آب ریخته شد (کلبرگ، ۱۳۷۱: ۱۳۷). کلبرگ معتقد است دسترسی سید بن طاووس به برخی منابع از بخت نیک وی بود که کتاب‌خانه‌اش از آسیب محفوظ ماند. کتاب‌خانه اهل سنت در پی دگرگونی‌ها و اوضاع ناشی از حمله مغول کمتر آسیب دید. زیرا اغلب، عالمان کتاب‌ها را نگه‌داری می‌کردند و بسیاری از این عالمان بیرون از منطقه تحت حکومت مغولان زندگی می‌کردند (همان).

در عین حال، حمله مغول در قرن هفتم اتفاق افتاده، در حالی که شیعه کتب فراوانی بیش از این حادثه داشته که در قرون بعدی هیچ اثری از آنها نیست. شخصیت‌های بزرگ و معروفی مانند شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) در گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری آثار تاریخی مانند التاریخ، اثبات الوصیة لعلی، اخبار ابی ذر، اخبار سلمان، اخبار عبد‌العزیز، الجمل، الرجال المختار من اصحاب النبی، زید بن علی، الشوری، مقتل الحسین (طوسی، بی‌تا: ۲۳۶-۲۳۸) داشته‌اند که عمدتاً نابود شده و اثری از آنها نیست؛ با این حال، حمله مغول و حتی سایر حمله‌ها را علت اصلی فقدان منابع دانستن صحیح نیست. زیرا آثار متعددی در قرون چهارم و پنجم هجری، وجود داشته که اینک مفقود است و ربطی به حمله مغول ندارد. این عوامل بر فرض پذیرش تأثیر آنها موجب نابودی بخشی از آثار شده است؛ به‌ویژه حمله مغول که سهم بیشتری به آن برای نابودی آثار داده‌اند. در حملات مغول نه‌تنها همه کتاب‌خانه‌های شیعی

نابود نشد، بلکه شخصیت‌هایی مثل سید ابن طاووس کتب را گردآوری کردند. بنا بر آنچه نقل شد، وی آثاری در اختیار داشته که در تألیفاتش به آنها ارجاع داده است. بنابراین، نمی‌توان از بین رفتن آثار را به حوادث مقطعی پیوند داد. همچنین، برخی مناطق، مانند قم، در معرض تعرض مغولان واقع نشد (صفری فروشانی، در: صفری فروشانی ودستی، ۱۳۹۵).

نتیجه

در میان علل مادی فقدان منابع تاریخی شیعه، سه علت اصلی مطرح می‌شود که از میان آنها مهم‌ترین علت برای فقدان منابع، حمله مغول ذکر شده که پس از بررسی نشان دادیم که حمله مغول علت اصلی و تعمیم‌پذیر برای نابودی آثار شیعه نیست. به‌ویژه اینکه حمله مغول در قرن هفتم اتفاق افتاده، در حالی که آثار مهمی پیش از این اتفاق از بین رفته و در اختیار نبوده است تا حمله مغول باعث نابودی آن شود. به طور کلی، در میان علل فیزیکی که مطرح شد، همه این علل فیزیکی در از بین رفتن بخشی از آثار و منابع تاریخی شیعه مؤثر بوده، و انحصار علت به حمله مغول یا قائل شدن به سهم بیشتری برای این علت، صحیح نیست.

پی‌نوشت

۱. با توجه به اهمیت علل معنوی و نیز تعدد آن، ذکر آنها در این مقاله مقدور نیست و باید مستقلاً بررسی شود، اما مهم‌ترین این علل به اختصار چنین است: تحولات عقیدتی و ایدئولوژیک تشیع؛ فاصله‌گرفتن از برخی علوم و گام‌نهادن در برخی علوم؛ وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعه؛ بی‌توجهی به تاریخ و توجه بیشتر به فقه و کلام؛ پدیدآمدن جوامع روایی و رجالی و بی‌نیازی از کتب دیگر؛ بی‌توجهی به علوم دیگر؛ جایگاه علمی مؤلفان کتب تاریخی؛ در خور توجه نبودن برخی آثار و رسائل از حیث کمی؛ فقدان حاکمیت سیاسی شیعه؛ قانون بقا و ماندن اکمل و اصلاح؛ توجه نکردن عالمان به کتاب؛ وحدت مضامین؛ غلبه گفتمان یا تفکر خاص؛ گرایش‌های مذهبی نویسندگان؛ موقعیت اجتماعی نویسنده؛ نگاه اسطوره‌ای به ائمه. این علل ذیل این عناوین تجمیع و بررسی خواهد شد: ۱. حاکمیت سیاسی و در اقلیت بودن شیعه؛ ۲. فرجه‌شدن کلام و فقه شیعی، نگاه اسطوره‌ای به ائمه و پاسخ‌گونی‌بودن تاریخ در این زمینه؛ ۳. بی‌توجهی شیعیان به کتب و منابع تاریخی و استسناخ‌نکردن از آنها؛ ۴. پدیدآمدن جوامع روایی و رجالی و بی‌نیازی از کتب دیگر و بی‌توجهی به علوم دیگر؛ ۵. تحولات فکری مذهب و ظهور و بروز گفتمان‌های جدید؛ ۶. رویکرد محدثان به گزاره‌های تاریخی.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۹۶۵). شرح نهج البلاغه، ویراسته: محمد ابو الفضل ابراهیم، قاهره: بی نا.
- ابن ابی طی، یحیی بن حمید (۱۳۷۹). الحاوی فی الرجال الشیعة الامامیة، تهران: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چاپ اول.
- ابن اثیر، عزیز الدین ابو الحسن (۱۹۶۵). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن بطوطه، محمد بن عبد الله (۱۴۱۷). رحلة ابن بطوطه، ریاض: اکادمیة المملكة المغربية.
- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (۱۴۱۷). صواعق المحرقة علی اهل الرفض والضلال والزندقه، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۱۶). الفصل فی الملل والاهواء والنحل، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ج ۱.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۰۸). تاریخ ابن خلدون، بیروت: دار الفکر.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۴۱۸). الفخری فی الاداب السلطانیة والدول الاسلامیة، تحقیق: عبد القادر محمد مایو، بیروت: دار القلم العربی، الطبعة الاولى.
- ابن فوطی، عبد الرزاق (۱۳۵۱). الحوادث الجامعة والتجارب النافعة فی المائة السابعة، بغداد: المكتبة العربیة.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶). الفهرست، ترجمه: رضا تجدد، تهران: بانک بازرگانی.
- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم (۱۹۹۷). مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تحقیق: جمال الدین الشیال، قاهره: مؤسسه الرساله.
- ابو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین (۱۳۸۳). الاغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابو شامه، شهاب الدین عبد الرحمن (۱۴۲۲). الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة والصلاحیة، محقق: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۹). تاریخ مغول، تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.
- امامی فر، سید ضیاء الدین (۱۳۸۳). تاریخ نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم هجری، قم: پارسایان.
- امین، محسن (۱۴۰۳). اعیان الشیعة، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ج ۱ و ۴.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۹). صحیح بخاری، ریاض: بیت الافکار الدرستیة للنشر والتوزیع.
- بخشی، منصوره (۱۳۹۳). تاریخ نگاران امامیه و روش ها و گونه های تاریخ نگاری آنها از قرن اول تا هفتم ه.ق، قم: جامعه الزهراء، چاپ اول.
- بلاذری، ابو الحسن احمد بن یحیی (۱۹۸۸). فتوح البلدان، بیروت: دار المكتبة الهلال.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۲۴). تاریخ بیهقی، تصحیح: علی اکبر فیاض، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۲). دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، قم: بوستان کتاب.
- جرار، ماهر (۱۳۸۵). «سیرة اهل الکساء»، ترجمه: محمد حسن محمدی مظفر، در: هفت آسمان، ش ۳۲، ص ۱۹۷-۲۳۸.
- جوینی، محمد (۱۳۸۲). تاریخ جهان گشای جوینی، تصحیح: محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب، چاپ سوم.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۴۹). جغرافیای حافظ ابرو، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حائری تهرانی، مهدی (۱۳۳۸). «سیر کتابخانه ها»، در: مکتب تشیع، ص ۱۹۸-۲۰۹.

- خوارزمی، ابوبکر (۱۹۷۰). مکاتیب خوارزمی، بیروت: دار مکتبه الحیاة.
- داداش‌نژاد، منصور (۱۳۸۶). «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، در: نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۱، ص ۴۵-۸۸.
- داداش‌نژاد، منصور (۱۳۸۹). «بررسی کتاب معالم العترة النبوية جنابذی»، در: مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، س ۴۲، ش ۸۴، ص ۱۲۳-۱۴۰.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۸). تاریخ تمدن، ترجمه: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
- رابینسون، چیس اف. (۱۳۹۲). تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه: محسن الویری، تهران: سمت، چاپ اول.
- راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۴). راحة الصدور و آية السرور، تصحیح: محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- زبیر بن بکار، ابو عبدالله (۱۳۷۴). الاخبار الموفقیات، محقق: سامی مکی عانی، قم: الشریف الرضی.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهرالکلام، تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.
- سبائی، محمد مکی (۱۳۷۳). تاریخ کتاب‌خانه‌های مساجد، ترجمه: محمد عباس‌پور، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- صدر سیدجوادی، احمد (۱۳۶۶). «تاریخ‌نگاری شیعیان»، در: دائرةالمعارف تشیع، تهران: بنیاد اسلامی طاهر، ج ۴.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ دشتی، محمد (۱۳۹۵). «جایگاه منابع مفقود در تحلیل مسائل تاریخی»، در: <https://b2n.ir/d68652>
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). فهرست، تصحیح و تعلیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف: المکتبه المرتضویة.
- غفوری، محمد (۱۳۹۴). نقش شیعه در تاریخ‌نگاری اسلامی، تهران: مشعر.
- فضلی، زینب؛ بیات، علی (۱۳۹۱). «عوامل و پیامدهای اسناد دیوانی از سده‌های نخستین اسلامی»، در: گنجینه اسناد، س ۲۰، دفتر اول، ص ۶۲-۷۹.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۵). «اسناد و نامه‌های تاریخی»، در: بررسی‌های تاریخی، ش ۱، ص ۲۷۱-۳۰۲.
- کلبرگ، اتان (۱۳۷۱). کتاب‌خانه سید بن طاووس: احوال و آثار او، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی.
- مجیدی‌نسب، نرگس (۱۳۸۷). «تاریخ‌نگاری شیعه در رجال نجاشی»، در: نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۱۶، ص ۱۱۷-۱۷۰.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶). میراث مکتوب شیعه، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: مورخ.
- مقریزی، تقی‌الدین ابو العباس (۱۴۱۸). المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مقریزی، تقی‌الدین ابو العباس (۱۹۹۶). اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، قاهره: المجلس الاعلی للشتون الاسلامیة.
- نجاشی، احمد بن علی (بی‌تا). رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- نیآوردی، ابو الحسن علی (۱۴۰۹). الاحکام السلطانیة والولايات الدینیة، محقق: احمد مبارک البغدادی، کویت: مکتبه الدار ابن قتیبة.
- هدایت‌پناه، محمدرضا (۱۳۹۶). منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین (۱۴۱۱). معجم البلدان، بیروت: دار صادر، ج ۱.

References

- Abu al-Faraj Esfahani, Ali ibn al-Hoseyn. 1964. *Al-Aghani*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Abu Shameh, Shahab al-Din Abd al-Rahman. 2002. *Al-Rozatayn fi Akhbar al-Dolatayn al-Nuriyah wa al-Salahiyah (Two Gardens in the News of the Two States: Al-Nouriah and Al-Salihyah)*, Researched by Ibrahim Shams al-Din, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Amin, Mohsen. 1983. *Ayan al-Shiah (Shiite Dignitaries)*, Researched by Hasan Amin, Beirut: Al-Taaruf Institute for Publications, vol. 1 & 4. [in Arabic]
- Bakhshi, Mansureh. 2014. *Tarikhnegaran Emamiyeh wa Rawesh-ha wa Guneh-hay Tarikhnegari An-ha az Gharn Awwal ta Haftom A.H (Imami Historians and Their Methods and Types of Historiography from the First to the Seventh Century AH)*, Qom: Jameah al-Zahra, First Edition. [in Farsi]
- Balazori, Abu al-Hasan Ahmad ibn Yahya. 1988. *Fotuh al-Boldan*, Beirut: Al-Helal Library House. [in Arabic]
- Beyhaghi, Abu al-Fazl. 1945. *Tarikh Beyhaghi*, Edited by Ali Akbar Fayyaz, Tehran: Bank Melli Iran Printing House. [in Farsi]
- Bokhari, Mohammad ibn Esmail. 1999. *Sahih Bokhari*, Riyadh: The House of Academic Ideas for Publishing and Distribution. [in Arabic]
- Dadashnejad, Mansur. 2007. "Tarikhnegari Shiayan dar Sadeh-hay Nokhostin (Shiite Historiography in the First Centuries), in: *Journal of Historians*, no. 1, pp. 45-88. [in Farsi]
- Dadashnejad, Mansur. 2010. "Barresi Ketab Maalem al-Etrah al-Nabawiyah Janabezi", in: *Islamic Studies: History and Culture*, yr. 42, no. 84, pp. 123-140. [in Farsi]
- Durant, William James. 1999. *Tarikh Tamaddon*, Translated by Abu Taleb Saremi, Abu al-Ghasem Payandeh and Abu al-Ghasem Taheri, Tehran: Scientific and Cultural, Sixth Edition. [in Farsi]
- Eghbal Ashtiyani, Abbas. 2000. *Tarikh Moghol (History of the Mongols)*, Tehran: Amirkabir, Seventh Edition. [in Farsi]
- Emamifar, Seyyed Ziya al-Din. 2004. *Tarikhnegaran Shiah ta Payan Gharn Haftom Hejri (Shiite Historians until the End of the Seventh Century AH)*, Qom: Parsayan. [in Farsi]

- Fazli, Zeynab; Bayat, Ali. 2012. "Awamel wa Payamad-hay Asnad Diwani az Sadeh-hay Nokhostin Islami (Factors and Consequences of Court Documents from the First Centuries of Islam)", in: *Treasury of Documents*, yr. 20, First Book, pp.62-79. [in Farsi]
- Ghaem Maghami, Jahangir. 1966. "Asnad wa Nameh-hay Tarikhi (Historical Documents and Letters), in: *Barresi-hay Tarikhi*, yr. 1, pp. 271-302. [in Farsi]
- Ghafuri, Mohammad. 2015. *Naghsh Shiah dar Tarikhnegari Islami (The Role of Shiites in Islamic Historiography)*, Tehran: Mashar. [in Farsi]
- Haeri Tehrani, Mahdi. 1959. "Seyr Ketabkhneh-ha (Evolution of Libraries), in: *Shiism*, pp. 198-209. [in Farsi]
- Hafez Abru, Abdollah ibn Lotfollah. 1970. *Joghrafiyay Hafez Abru*, Tehran: Iranian Culture Foundation. [in arsi]
- Hazrati, Hasan. 2003. *Danesh Tarikh wa Tarikhnegari Islami (Science of Islamic History and Historiography)*, Qom: Book Garden. [in Farsi]
- Hedayatpanah, Mohammad Reza. 2017. *Manabe Tarikhi Shia ta Gharn Panjom (Shiite Historical Sources up to the Fifth Century)*, Qom: Research Institute of Hawzeh and University. [in Farsi]
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hebatollah. 1965. *Sharh Nahj al-Balaghah*, Edited by Mohammad Abolfazl Ibrahim, Cairo: n.pub. [in Arabic]
- Ibn Abi Tay, Yahya ibn Hamid. 2000. *Al-Hawi fi al-Rejal al-Shiah al-Emamiyah (Collection of Imami Shiite Hadith Transmitters)*, Tehran: Specialized Library of the History of Islam and Iran, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Athir, Ezz al-Din Abu al-Hasan. 1965. *Al-Kamel fi al-Tarikh (The Completion of History)*, Beirut: Sader House. [in Arabic]
- Ibn Batuteh, Mohammad ibn Abdollah. 1997. *Rehlah Ibn Batuteh*, Riyadh: Western Kingdom Academy. [in Arabic]
- Ibn Futi, Abd al-Razzagh. 1933. *Al-Hawadeth al-Jameah wa al-Tajareb al-Nafeah fi al-Meah al-Sabeah (Universal Accidents and Beneficial Experiences in the Seventh Century)*, Baghdad: Arabic Press. [in Arabic]
- Ibn Hajar Heythami, Ahmad ibn Mohammad. 1997. *Al-Sawaegh al-Mohreghah ala Ahl al-Rafaz wa al-Zalal wa al-Zandaghah (The Incendiary Thunderbolts over the People of Rejection, Delusion and Heresy)*, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]

- Ibn Hazm, Ali ibn Ahmad. 1996. *Al-Fasl fi al-Melal wa al-Ahwa wa al-Nehal (Chapter in Nations, Whims & Schools)*, Beirut: Scientific Books House, First Edition, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Khaldun, Abd al-Rahman ibn Mohammad. 1988. *Tarikh Ibn Khaldun*, Beirut: Thought Institute. [in Farsi]
- Ibn Nadim. 1967. *Al-Fehrest (The List)*, Translated by Reza Tajaddod, Tehran: Commercial Bank. [in Arabic]
- Ibn Taghtaghi, Mohammad ibn Ali. 1998. *Al-Fakhri fi al-Adab al-Soltaniyah wa al-Dowal al-Islamiyah*, Researched by Abd al-Ghader Mohammad Mayu, Beirut: Arabic Pen Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Wasel, Jamal al-Din Mohammad ibn Salem. 1997. *Mofarrej al-Korub fi Akhbar Bani Ayyub*, Researched by Jamal al-Din al-Shiyal, Cairo: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Jarar, Maher. 2006. "Sireh Ahl al-Kesa (The Life of the People of the Cloak)", Translated by Mohammad Hasan Mohammadi Mozaffar, in: *Seven Heavens*, no. 32, pp. 197-238. [in Farsi]
- Joweyni, Mohammad. 2003. *Tarikh Jahangoshay Joweyni (The History of the World by Joweyni)*, Edited by Mohammad Ghazwini, Tehran: Book World, Third Edition. [in Farsi]
- Kharazmi, Abubakr. 1970. *Makatib Kharazmi (Khwarizmi's Letters)*, Beirut: Al-Hayat Institute. [in Arabic]
- Kohlberg, Etan. 1992. *Ketab-khaneh Seyyed ibn Tawus: Ahwal wa Athar U (Ibn Tawus and His Library)*, Translated by Seyyed Ali Gharai and Rasul Jafariyan, Qom: Ayatollah Marashi Library. [in Farsi]
- Majidinasab, Narges. 2008. "Tarikhnegari Shiah dar Rejal Najjashi (Shiite Historiography in the Book of Rejal by Najjashi)", in: *Journal of Historians*, no. 16, pp. 117-170. [in Farsi]
- Meghrizi, Taghi al-Din Abu al-Abbas. 1996. *Etteaz al-Honafa be Akhbar al-Aemah al-Fatemiyyin al-Kholafa*, Cairo: Supreme Council for Islamic Affairs. [in Arabic]
- Meghrizi, Taghi al-Din Abu al-Abbas. 1998. *Al-Mawaez wa al-Etebar le Zekr Khotat wa al-Athar*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]

- Modarresi Tabatabayi, Seyyed Hoseyn. 2007. *Mirath Maktub Shia (Shiite Written Heritage)*, Translated by Seyyed Ali Gharai and Rasul Jafariyan, Qom: Historian. [in Farsi]
- Najjashi, Ahmad ibn Ali. n.d. *Rejal al-Najjashi*, Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Nayawardi, Abu al-Hasan Ali. 1989. *Al-Ahkam al-Soltaniyah wa al-Welayat al-Diniyah (Royal Rulings and Religious States)*, Researched by Ahmad Mobarak al-Baghdadi, Kuwait: Ibn Ghotaybah Institute. [in Arabic]
- Rawandi, Mohammad ibn Ali. 1985. *Rahat al-Sodur wa Ayah al-Sorur (Comfort of the Breasts and the Sign of Pleasure)*, Edited by Mohammad Eghbal and Mojtaba Minawi, Tehran: Amirkabir. [in Arabic]
- Robinson, Chase F. 2013. *Tarikhnegari Islami (Islamic Historiography)*, Translated by Mohsen Alwiri, Tehran: Samt, First Edition. [in Farsi]
- Sabai, Mohammad Makki. 1994. *Tarikh Ketabkhaneh-hay Masajed (History of Mosque Libraries)*, Translated by Mohammad Abbaspur, Mashhad: Astan Qods Razavi Research Foundation. [in Farsi]
- Sadr, Seyyed Jawadi, Ahmad. 1987. "Tarikhnegary Shiayan (Shiite Historiography), in: *Shiite Encyclopedia*, Tehran: Taher Islamic Foundation, vol. 4. [in Farsi]
- Safari Forushani, Nematollah; Dashti, Mohammad. 2016. "Jaygah Manabe Mafghud dar Tahlil Masael Tarikhi (The Place of Missing Sources in the Analysis of Historical Issues)", in: <https://b2n.ir/d68652>
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. n.d. *Fehrest*, Edited and Annotated by Mohammad Sadegh Bahr al-Olum, Najaf: Mortazawi Library. [in Arabic]
- Yaghut Hemawi, Shahab al-Din. 1991. *Mojam al-Boldan (Dictionary of Countries)*, Beirut: Sader Institute, vol. 1. [in Arabic]
- Zeydan, Jorji. 1993. *Tarikh Tamaddon Islam (History of Islamic Civilization)*, Translated by Ali Jawaher al-Kalam, Tehran: Amirkabir, Seventh Edition. [in Farsi]
- Zobeyr ibn Bakar, Abu Abdollah. 1995. *Al-Akhbar al-Mowaffaghiyat*, Researched by Sami Makki Ani, Qom: Al-Sharif al-Razi. [in Arabic]